

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون

برگزاری ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیشنهادها و نظرات ارائه شده از سوی سازمان ها، رفقا و هواداران حزب را هرچه سریعتر جمع آوری و تدوین کند و سپس در اختیار سازمان های حزبی قرار دهد. پلنوم در انتهای کار گزارش شعب و کمیسیون های کمیته مرکزی را استماع کرد و رهنمودهای لازم را برای پیشبرد کارها صادر نمود. ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گام مهمی در راه تحکیم سیاست مبارزاتی حزب در شرایط کنونی و تدارک نهایی چهارمین کنگره حزب توده ایران بود.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۷۵

رفقای گرامی
ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، در فضایی رفیقانه، در اسفند ماه سال جاری برگزار شد. پلنوم برپایه سند ارائه شده از سوی هیأت اجرایی به بحث پیرامون مسایل مهم ایران و جهان و مبارزه دشواری که پیش روی حزب قرار دارد، پرداخت و پس از تبادل نظر، بررسی و تدقیق، گزارش سیاسی هیأت اجرایی را به تصویب رساند. پلنوم کمیته مرکزی کمیته تدارک چهارمین کنگره حزب توده ایران را انتخاب کرد و معیارهای روشنی را برای تعیین نمایندگان شرکت کننده در کنگره مشخص نمود. پلنوم همچنین مقرر کرد کمیته تدارک کنگره

نامه مردم

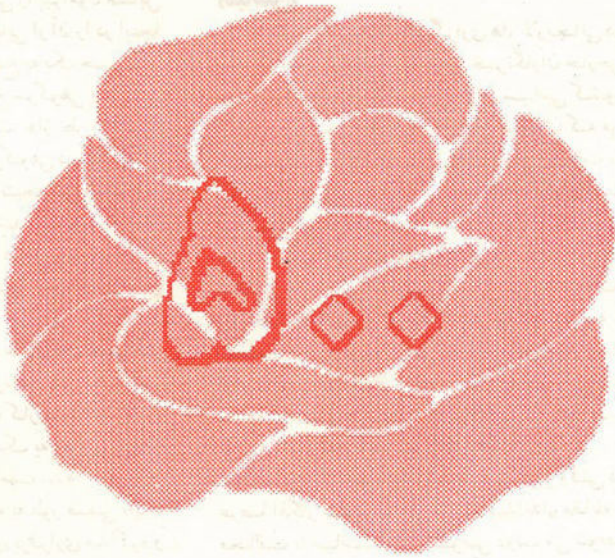
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۰۰، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۱۷ اسفندماه ۱۳۷۵

«خانه گل»

بادیه شد خانه گل!
باز،
مرا بخوان،
بیا،
که خاک گل شکسته را،
چاره همان که بوده هست!
گرچه بجای ماندمان.
عطر و نسیم و رنگ و بو،
به دست ناکسان پست!
بادیه شد خانه گل!
باز،
بخوانمت،
بیا،
روی مکن زمن نهان!
گنج زخانه می برند،
کوردلان بی نشان!
باز،
بیا،
حلقه ز نیم،
دست جدای مانده را!
هلهله ای بیا کنیم،
قافله نشسته را!
باز،
ببندیم به خاک
ساق گل شکسته را!
عطر و نسیم و رنگ و بو،
باز،
به خاک بسته بین،
راه، همین است،
همین!...

م. نوید



درود پر شور به کارگران اعتصابی نفت در ص ۵

پیام ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم
ستمیدیده و مبارز ایران
در ص ۴

یاد افسران دلاور توده ای افضلی و یاران گرامی باد!
در صفحه ۳

پست بعدی رفسنجانی: «کمک به ولی فقیه»
معلق زدن های لاریجانی در پیشگاه «شیاطین»
رقابت سنگین انتخاباتی
در ص ۲
در ص ۲
در ص ۲

پرچم رزم خونینی که همچنان در اهتزاز است

«نامه مردم» پنجاه و پنج ساله شد
به مناسبت ۵۰۰ - مین شماره روزنامه

از انتشار نخستین شماره «مردم» پنجاه و پنج سال می گذرد. پنجاه و پنج سال پیش، در آستانه دومین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، در ۱۲ بهمن سال ۱۳۲۰، در فردای سقوط رژیم رضا خانی و گشوده شدن فضای سیاسی کشور و پایه گذاری حزب توده ایران، روزنامه «مردم» به صاحب امتیازی مبارز قدیمی صفر نوعی و سردبیری عباس نراقی با هدف مبارزه علیه فاشیسم، استعمار، استبداد و در دفاع از آزادی و استقلال میهن پایه عرصه حیات گذاشت و در طول بیش از ۵۵ سال فعالیت مطبوعاتی پرثمر و انقلابی، مبتکر مشی و سنتی نو، پیشرو و مترقی در روزنامه نگاری کشور شد. آوازه «مردم» ضد فاشیست در سراسر ایران گسترده شد و «مردم» توانست نقش ارزنده ای در سازمان دهی مبارزه با گرایشهای فاشیستی داخلی و فاشیسم هیتلری در جامعه آن روز ایران به پیش ببرد. بسیاری از چهره های ادبی و فرهنگی از جمله صادق هدایت، و احسان طبری از جمله کسانی بودند که با مقالات، اشعار و داستان های خود، «مردم» را به یکی از پرخواننده ترین روزنامه های آن روز کشور بدل کردند. بر سر دفتر روزنامه مردم در میدان بهارستان نوشته شده بود: «این روزنامه پشتیبان کسانی است که با فکر و با بازوی خود کار کرده و از حاصل دسترنج خود نان می خورند».

«مردم» خیلی زود به خاری در چشم ارتجاع و طرفداران فاشیسم بدل شد و در ۱۱ آذرماه ۱۳۲۱ پس از انتشار ۲۲۷ شماره توسط فرمانداری نظامی تهران توقیف گردید. «مردم» دوره دوم کار خود را به صاحب امتیازی دکتر رضا رادمنش از ۲۹ فروردین ۱۳۲۲ به نام ادامه در ص ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



پست بعدی رفسنجانی: کمک به ولی فقیه

هاشمی رفسنجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی که در تهران برگزار شد، مطالب مهمی را پیرامون مسایل مختلف رژیم بیان کرد که بخش هایی از آن را در اینجا ذکر می کنیم. رفسنجانی در پاسخ به یک خبرنگار آلمانی که پیرامون سرنوشت فرج سرکوهی و واکنش دولت آلمان از او سوال کرد گفت: «از نظر ما قضیه مبهم و باعث تعجب است. سرکوهی در آلمان بوده و آلمانها همه چیز را نگفتند و در نتیجه این موضوع به یک جنجال و یک معما تبدیل شده است... مسأله سرکوهی یک مسأله صددرصد داخلی است و نباید آلمان در آن دخالت داشته باشد. اگرچه ما در حال بررسی این مسأله هستیم.»

رفسنجانی سپس در پاسخ به سؤال یک خبرنگار ژاپنی پیرامون آینده خود گفت: «برنامه ریزی نکرده ام و فکر کنم در سه چهار موضوع به کار بپردازم. بخش مهمی از فعالیت های آینده ام کمک به رهبری خواهد بود چون مسؤلیت ایشان سنگین است...»

رفسنجانی در همین مصاحبه به طور ضمنی تأیید کرد که پیام هایی از آمریکا برای برقراری مذاکره و روابط دریافت کرده است و سپس در پاسخ به خبرنگار همشهری که با نگرانی از ادامه سیاست های کنونی و سرنوشت مجریان این سیاست ها می پرسید گفت: «اولاً مسایل سازندگی و توسعه را فقط نمیستیم که انجام می دهیم، قشر وسیعی از مدیران کشور برنامه ای را که دولت تهیه و مجلس آن را تصویب و رهبری از آن حمایت می کند انجام داده اند و من هم از ایران نمی روم و مواظب هستم اگر برنامه ای بخواهد مسایل سازندگی را به خطر بیندازد دخالت خواهم کرد و نظریات خود را بیان می کنم...»

از نکات جالب دیگر مصاحبه رفسنجانی مخالفت آشکار او با امکان ریاست جمهوری زنان در کشور بود. وی در پاسخ به خبرنگار مجله تایم پیرامون تشویق فائزه هاشمی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری گفت: «در مورد ریاست جمهوری هم به نظرم با وجود قانون اساسی خانم ها نمی توانند نامزد شوند گرچه عبارت قانون صراحت ندارد و تفسیر این موضوع نیز با شورای نگهبان است. وی افزود به نظرم در شرایط فعلی نامزد شدن خانم ها آنچنان زمینه ای ندارد و ایشان (فائزه هاشمی) هم باید به همان نمایندگی مجلس قانع باشد...»

رفسنجانی در همین مصاحبه اعتراف کرد که به دلیل وجود «جریان های نیرومندی» مانند روحانیت احزاب سیاسی نمی توانند در ایران پا بگیرند. رفسنجانی در جای دیگری از مصاحبه قبول کرد که جمهوری اسلامی به دولت ارتجاعی سودان کمک می

کند و مشغول بررسی تقاضای فروش اسلحه به این کشور است. مهم ترین مسأله ای که از مصاحبه رفسنجانی می توان استنتاج کرد، این است که به نظر می رسد توافق هایی پشت پرده برای تعیین رفسنجانی به سمت «نایب ولی فقیه» صورت گرفته است و بدین ترتیب رفسنجانی پس از انتخابات آینده ریاست جمهوری همچنان به عنوان یکی از اصلی ترین مهره های رژیم به کار خود ادامه خواهد داد. نکته دیگر اینکه پاسخ رفسنجانی به موضوع سرکوهی نشانگر هماهنگی کامل دو جناح حاکم در رژیم و خواست مشترک آنان در سرکوب وحشیانه دگراندیشان در کشور است.

معلق زدن های لاریجانی، نایب رییس کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی در پیشگاه «شیاطین»

بر اساس گزارش خیرگزاری ها، لاریجانی در سفر به لندن در مصاحبه ای با خبرنگاران خارجی مطالبی را عنوان کرد که در محافل سیاسی کشور بازتاب وسیعی یافت. وی در این سخنان که می بایست آن را نوعی تضمین دادن جناح رسالت به کشورهای غربی و آمریکا پیرامون انتخابات ریاست جمهوری آینده تلقی کرد، ضمن انتقاد از سیاست دولت کنونی گفت که جناح وی خواهان تقویت هرچه بیشتر خصوصی سازی و تسریع این روند است. روزنامه همشهری در یادداشت روز چهارشنبه ۱ اسفندماه خود در اعتراض به این برخورد از جمله نوشت: «در جستجوی رضایت غرب بودن، نه رضای خداوند است و نه سنت امام راحل و رهبر انقلاب و نه با عزت و شان انقلاب و نظام سازگار است... و عجیب تر آنکه همفکران این دوست عزیز وقتی در عرصه افکار عمومی داخلی کشور میداندار مقابله و مخالفت با سیاست های خصوصی دولت می شوند، چرا در عرصه افکار عمومی غربیان در مقدمه چنین هنگامه ای (انتخابات) از خصوصی سازی و ضرورت تقویت بیشتر آن داد سخن می دهند. یک بام و دو هوا!...»

رقابت سنگین انتخاباتی

مهدی کروبی، دبیر مجمع روحانیون مبارز، در مصاحبه ای که روز اول اسفندماه با خیرگزاری جمهوری اسلامی انجام داد از جمله گفت: «با جوی که اکنون در صحنه سیاسی کشور وجود دارد، نظر ما این است که در صورت حفظ این وضعیت برای اولین بار در کشور، رقابت سنگین انتخابات ریاست جمهوری خواهیم داشت و احتمالاً نتیجه آن در دور دوم مشخص خواهد شد...»

نامبرده در پاسخ به این سؤال که آیا امکان ائتلاف میان مجمع روحانیون و گروه کارگزاران وجود دارد، گفت: «قبلاً رایزنی و گفت و گوهایی میان این دو جناح سیاسی کشور وجود داشته است، اما فعلاً این گفت و گو ها متوقف شده است...»

باهر یکی از سخنگویان جناح رسالت، در این هفته اعلام کرد، با ورود خاتمی به کارزار انتخاباتی، این کارزار جدی شده است.

مواضع خاتمی چیست؟

سید محمد خاتمی، نماینده گروه مجمع روحانیون مبارز در انتخابات آینده ریاست جمهوری،

در سخنرانی که روز اول اسفندماه در حسینیه بزرگ جماران ایراد کرد از جمله گفت: «نظریه فقهی امام امروز به صورت نظام درآمده است. محور نظام رهبری است و این خواست امام و مردم است و تقویت جمهوری اسلامی یعنی تقویت رهبری و باید در این راه تلاش فراوانی به عمل آورد...»

و در نتیجه گیری سخنرانی افزود: «خط امام در انحصار اعضای گروه خاصی نیست و متعلق به همه است، تنها باید اختلاف ها را به رسمیت شناخت تا جامعه نشاط یابد و هرکس تلاش کند که گرایش ها و گروهها از نظام خارج شوند به نفع نظام کار نمی کند. معیار داوری ما هم باید حفظ و تقویت نظام باشد...» (نقل از روزنامه همشهری ۱ اسفندماه ۱۳۷۵).

دکتر پیمان پس از نوشتن نامه اعتراض به رفسنجانی بازنشسته شد

دکتر حبیب الله پیمان که از مسافرتش به لندن جلوگیری و پاسپورت او به دست ماموران امنیتی رژیم ضبط گردیده بود، با ارسال نامه ای به هاشمی رفسنجانی به این امر اعتراض کرد و نوشت: «چنین رفتارهایی با هیچ یک از موازین قانون اساسی و حقوق انسانی سازگاری ندارد...»

در پی این نامه اعتراضی دکتر پیمان در یک مصاحبه تلفنی از ایران خبر داد که: «باید به اطلاع شما برسانم که همان روزی که من اعتراض کردم به این قانون شکنی، حکم بازنشستگی مرا از دانشگاه صادر کردند و این در شرایطی بود که من هنوز سال ها می توانم فعالیت داشته باشم و در صورتی که کلاس ها دایر است و دانشجویان بدون سرپرست و استاد هستند و جایگزینی هم برای این کار نیست.»

فشار به دکتر پیمان، دستگیری و شکنجه فرج سرکوهی و تشدید فشار به سایر نویسندگان و نیروهای مترقی، و حمله خشن و وحشیانه به کارکنان معترض شرکت نفت در هفته گذشته، بخشی از یورش وسیع تازه ای از سوی نیروهای سرکوبگر است که هراسناک از اوج گیری نارضایتی توده ها مصمم اند با جنگ و دندان نشان دادن جلو نضج گیری هرگونه جنبش اعتراضی وسیعی را سد کنند.

تشدید برخوردهای نظامی رژیم و مجاهدین

بر اساس گزارش خیرگزاری ها، در پی افزایش درگیری تیم های عملیاتی سازمان مجاهدین خلق با ماموران امنیتی رژیم در هفته های اخیر، از جمله در ساری، اصفهان، زاهدان و چند شهر از استان های غربی ایران، موج تازه ای از اقدام های وسیع امنیتی از سوی رژیم در شهرهای مختلف کشور آغاز شد. آیت الله یزدی رییس قوه قضائیه ناچار شد خبر وقوع این درگیری ها را تأیید کند و سپاه پاسداران از مردم خواست تا هر اطلاعاتی در این زمینه دارند به مرکز اطلاعاتی سپاه گزارش دهند.

همچنین در هفته های اخیر آغاز پخش برنامه تلویزیونی مجاهدین به ایران از طریق ماهواره برای رژیم نگرانی های معینی را ایجاد کرده است. یک مقام عالی رتبه سپاه پاسداران اعلام کرد که تهاجم فرهنگی از طریق شبکه ماهواره ای می تواند تبدیل به تهدید امنیتی برای جمهوری اسلامی گردد.

یاد افسران دلاور توده ای افضلی و یاران گرامی باد!

شود که بدانیم، هنگام محاصره آبادان و سقوط خرمشهر تقریباً تمام راههای زمینی و تدارکات از آب بروی ایران بسته شده بود، بگانه راه ارتباطی که جنبه حیاتی داشت و در جنگ نقش عمده ایفا می کرد، راه ارتباطی کانال خورموسی بود که از طریق بندر شاپور و کانال بهمنشیر به آبادان منتهی می شد. عراق برای شکستن محاصره آبادان و به اشغال در آوردن بخش مهمی از استان خوزستان کانال خورموسی را مین گذاری کرده بود. مین رویی این کانال و حفظ این راه ارتباطی نقش اساسی در دردم کوبیدن ارتش مزدور صدام و بازپس گیری خرمشهر و نجات آبادان داشت.

ناخدا افضلی شخصیت محبوب و مورد اعتماد نیروی دریایی بود و کادرهای این نیرو او را فرمانده واقعی خود می دانستند. وی دوره دکترای مهندسی را در رشته آرشیتکت کشتی و زیر دریایی در ایتالیا گذرانده بود و در بیش از ۱۰ رشته فنی نیروی دریایی استاد و صاحب نظر بود. پروژه عظیم ناخدا افضلی در رابطه با ساختمان زیر دریایی در خارج از کشور هواداران زیادی داشت و از زمره نظریه های علمی معتبر در دریانوردی به شمار می آید. ناخدا افضلی پایه گذار دانشکده عالی علوم دریایی ارتش ایران است و از این حیث به جرات می توان گفت که نیروی دریایی مدیون او است.

رفیق افضلی دارای شخصیتی جذاب و فروتن بود و در صفوف ارتش و حزب توده ایران بی ادعا برای بهروری زحمتکشان فعالیت می کرد. ناخدا افضلی در سال های ۵۸-۵۸ قطعه زمینی را که در حوالی قم داشت فروخت و پول آن را بی کم و کاست به عنوان کمک مالی یک عضو ساده به حزب داد. همین امر در کیفرخواست او وجود دارد و به عنوان کمک مالی موثر و پیوسته او به حزب مطرح گردید.

• رفیق شهید سرهنگ بیژن کبیری

رفیق کبیری از فرماندهان سرشناس و خوشنام ارتش و قهرمان نامدار نیروهای جنبه جنوب در آبادان و آزاد سازی خرمشهر است. او در دوران زندان نیز روحیه ای خارق العاده و مقاومتی درخشان داشت، یکی از موارد کیفرخواست رفیق کبیری، دفاع از حزب در زندان تحت عنوان «ارتباط تشکیلاتی در زندان» بود. دفاعیات سرهنگ کبیری توسط رژیم سانسور شد و بخش مهم آن در بایگانی وزارت اطلاعات باقی و مدفون شده است. یکی از هم سلولی های او در بند ۲۰۹ اولین آخرین لحظات

شمال خلیج فارس است. زمانیکه خرمشهر سقوط کرده بود و آبادان در محاصره عراق بود، ارتش متجاوز صدام برای تثبیت حضور اشغالگرانه خود در خوزستان اقدام به مین گذاری در کانال خورموسی کرد و راه ارتباطی بندر شاپور را بدین وسیله مسدود کرد. این اقدام علاوه بر جنبه های نظامی از لحاظ تجاری و کشتی رانی برای ایران در آن دوره فوق العاده منفی بود. نرخ بیمه کشتی های تجاری با این حرکت ارتش صدام به چندین برابر رسید در آن زمان، یعنی بلافاصله پس از انقلاب، امکان مین رویی دریایی برای نیروی دریایی ایران عملاً وجود نداشت. از لحاظ تاکتیک نظامی، مین رویی در منطقه جنگی کار بسیار خطرناک و خطرناکی است. ناخدا افضلی از پای ننشست برای اولین بار در تاریخ نیروی دریایی ارتش ایران، هلی کوپترهای مین جمع کن آر-جی - دلتا که پیش از انقلاب خریداری و بدون استفاده مانده بود، بکار انداخته شد. این هلی کوپترها قبل از این حتی تمرین مین رویی نکرده بودند. ناخدا افضلی در مقام فرمانده نیرو دستور صریح و روشنی ابلاغ کرد: «تحت هر شرایطی کشتی های بازرگانی باید به بندر شاپور رفت و آمد کنند». وی گروه های خلبان نیروی دریایی را سازماندهی کرد و در جلسات اقناعی اهمیت بازگشایی کانال را تأکید کرد.

هلی کوپترها تجهیز شدند، در دریا سکو برپا شد. برای اولین بار هلی کوپترهای نیروی دریایی با ابزارهای ناقص خود مسیر را مین رویی کردند. ناخدا افضلی در تمام مدت در عملیات شخصاً شرکت داشت، زمانیکه مین رویی پایان گرفت، وی دستور داد تا ناوچه ها از بندر شاپور حرکت کنند و از مسیر مذکور فیلم برداری تلویزیونی شود و در تمام جهان به نمایش درآید که کانال آزاد و بی خطر است. ناخدا افضلی علی رغم درخواست فرماندهان نیروی دریایی که از او خواست کردند به عنوان فرمانده نیرو و نقش موثر در جنگ، خطر نکنند و در ناوچه در حین عبور سوار نشود. تصمیم گرفت که بر عرشه نخستین ناوچه که از مسیر می گذرد شخصاً حضور و فرماندهی داشته باشد. او خطاب به همقطاران گفت: «من باید جلو باشم و اگر قرار است کسی کشته شود، این باید من باشم». آنوقت ناخدا افضلی سوار اولین ناوچه شد، از کانال گذشت شمال خلیج فارس رفت و برگشت و سپس پشت سر او کشتی ها و یدک کش ها به حرکت درآمدند. و بدین سان کانال خورموسی از مین پاک سازی و برتری نظامی در خلیج فارس به سود ایران تحکیم شد. اهمیت این مین رویی از آن رو برجسته می

۱۴ سال از شهادت دلاورانه، ۱۰ مبارز پر شور توده ای، رفقای شهید ناخدا دکتر بهرام افضلی فرمانده نیروی دریایی، سرهنگ هوشنگ عطاریان متخصص امور نظامی، مشاور وزیر دفاع و قهرمان نبردهای جنبه غرب در مرحله اول جنگ، سرهنگ بیژن کبیری فرمانده نامدار ارتش، فاتح نبردهای آبادان و خرمشهر، سرهنگ حسن آذرفر استاد دانشکده افسری و کارشناس برجسته امور حقوقی و قضایی ارتش، شاهرخ جهانگیری عضو مشاور کمیته مرکزی حزب از پایه گذاران سازمان حزبی نوید و نیز کادرهای قهرمان و دلیر حزب، رفقا فرزاد جهاد، رضا خاضعی، ابوالفضل بهرامی نژاد و خسرو لطفی گذشت!

پس از یورش رژیم «ولایت فقیه» به صفوف حزب توده ایران که با همیاری مستقیم سرویس های جاسوسی امپریالیستی و پاکستان و اسرائیل انجام شد، این رفقا نخستین دسته از اعضاء حزب بودند که پس از پایان به اصطلاح محاکمات به جوخه اعدام سپرده شدند. رژیم مردم ستیز «ولایت فقیه» با اعدام سریع این رفقا در همان ماههای پس از یورش کوشید مبارزه و حضور موثر و نفوذ نیرومند معنوی حزب ما در جامعه به ویژه در میان زحمتکشان و افسران و نظامیان آزادیخواه و میهن پرست را پایان یافته وانمود سازد.

این اقدام نیز نظیر، نمایشات مشمئز کننده تلویزیونی و دادگاه های فرمایشی توانست اعتبار و نفوذ ژرف حزب توده ای ما را خدشه دار کرده و کم رنگ نماید. مقاومت و پایداری توده ای ها، علی رغم فشارهای فوق انسانی شکنجه گران، به سند افتخار مبارزان راه آزادی بدل شد و بیش از پیش حقانیت درستی راه حزب را به نمایش گذاشت.

بخش اساسی دفاعیات مستدل و دلیرانه توده ای ها، به ویژه افسران توده ای، مانند دفاعیات رفیق شهید سرهنگ هوشنگ عطاریان و رفیق شهید سرهنگ حسن آذرفر از سوی رژیم انتشار نیافته و در بایگانی وزارت اطلاعات نگهداری می شود.

مبارزه و مقاومتی که توده ای ها به بهای جان، هستی و زندگی خود کردند، بهترین گواه در اصالت و درستی مبارزه حزب ما و وفاداری به آرمان های انقلابی، ملی و مردمی است. پس از گذشت ۱۴ سال، رفقای شهید ما در رزم و بیکار زحمتکشان ایران برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی زنده اند به قول مارکس: «اگر انسان در جسم خود فانی است در عمل تاریخی خود باقی است».

نام و یاد افضلی، عطاریان، جهاد، جهانگیری، آذرفر و دیگران در کنار نام و خاطره سیامک، میشری، کیوان، زاخار، وارطان و حکمت جو ... الهام بخش نسل های جوان در حال و آینده است. نام و رزم آنها بسان شعله ای آذرگون و پر حرارت گرما بخش رزمندگان راه آزادی است. یادشان را گرامی بداریم و با چند خاطره در سالگشت شهادتشان به دیدار کوتاهی با آنها برویم

• رفیق شهید ناخدا دکتر بهرام افضلی

نقش ناخدا افضلی و فرماندهی او در جریان مرحله اول جنگ و برتری ایران در خلیج فارس انکار ناپذیر می باشد. یکی از این خاطرات نقش و فرماندهی او در عملیات مربوط به کانال خورموسی در

ادامه در ص ۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

پیام ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ستم دیده و مبارز ایران

هم میهنان گرامی!

تجربه سال های اخیر همچنین نشان داده است که برداشتن این سد، با توجه به امکانات عظیم نظامی، امنیتی و سرکوبگرانه ای که رژیم مهیا کرده است، کاری است دشوار که تنها با اتحاد عمل و مبارزه مشترک و وسیع ترین اقشار مردم امکان پذیر است. امروز اگرچه نارضایتی نسبت به رژیم و سران آن سراسر جامعه را فرا گرفته است، و اعتراض علیه جمهوری اسلامی بیش از پیش در عرصه های گوناگون خود را بروز می دهد، اما به دلیل پراکنده بودن و عدم تشکل و سازمان یابی این حرکات گردانندگان رژیم می توانند با توسل به خشونت و سرکوب از گسترش آن جلوگیری کنند و مانع آن شوند تا این اعتراض های پراکنده به یک جنبش واحد مردمی، از نوعی که توانست رژیم شاه را با ارتش نیم میلیونی و ساواک چند صد هزاری درهم بکوبد، بدل شود.

هم میهنان گرامی!

حزب توده ایران معتقد است که در شرایط بحرانی و حساس کنونی کشور و در حالی که همه شواهد از تشدید جو سرکوب، خفقان و حرکت رژیم به سمت تمرکز بیش از پیش قدرت در دست یک گروه انحصار طلب، ضد دموکراتیک و ضد مردمی حکایت می کند، تنها راه حل تشدید مبارزه و مقاومت در مقابل رژیم «ولایت فقیه» و اتحاد و همبستگی هرچه وسیع تر اقشار جامعه در این مبارزه است. ایجاد یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری از همه نیروهای ملی و آزادی خواه و اکثریت عظیم توده های زحمتکش و محروم می تواند آنچنان نیروی عظیمی را در جامعه پدید آورد که بتوان با آن دستگاه ظلم و استبداد حاکم را درهم شکست و راه را به سمت تحقق تحولات بنیادین، دموکراتیک و ضرور در کشور گشود.

هدف و برنامه چنین جبهه ای می بایست بازکردن فضای سیاسی - اجتماعی کشور، ایجاد امکان دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خویش، تضمین استقلال و یکپارچگی ایران، تأمین عدالت اجتماعی و زدودن فقر و محرومیت از زندگی توده های میلیونی زنان، مردان و کودکان محروم و زیر ستم میهن ما از طریق کوتاه کردن دست سرمایه داران بزرگ و غارتگران اقتصادی انگل صفت از حکومت و ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه باشد.

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری را مناسب ترین راه برای تحقق این خواست ها می داند و تمامی مردم زحمتکش، به ویژه کارگران و دیگر زحمتشکان شهر و روستا، اقلیت های ملی و مذهبی و جوانان میهن را به مبارزه فعال در جهت تشکیل چنین جبهه ای فرا می خواند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین دروهای رزمجویانه خود را به شما تقدیم می کند و برایتان سعادت و پیروزی آرزومند است. میهن ما سالی دشوار و پر از مخاطره را پشت سر گذاشت. ادامه بحران در همه عرصه ها، تشدید فشارهای کمر شکن اقتصادی، که بر دوش میلیون ها خانواده ایرانی سنگینی می کند، در کنار شرایط ناآرام و آشفته اجتماعی و ادامه سرکوب، خفقان و ظلم رژیم حاکم، از جمله دشواری هایی است که شما در سال گذشته با آن روبرو بوده اید.

سیاست «تعدیل اقتصادی» که به ابتکار «سردار سازندگی» و در واقع به دستور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در میهن ما به مرحله اجرا درآمد در هشت سال گذشته اثرات فاجعه باری در حیات اجتماعی - اقتصادی کشور برجای گذاشته است. بدهی عظیم ده ها میلیارد دلاری، تمرکز بیش از پیش ثروت در دست عده ای بسیار قلیل، افزایش بی سابقه قیمت ها، تورم ۵۰ درصدی، کاهش قدرت اقتصادی اکثریت عظیم مردم و گسترش فقر و محرومیت، ورشکستگی و نابودی صدها واحد تولیدی کوچک از جمله «دست آوردهایی» است که دولت هاشمی رفسنجانی می بایست بابت آن به خود «ببالد».

در شرایط تبلیغات کرکننده و سراسر دروغ سران رژیم پیرامون پیشرفت های «اعجاز انگیز» ایران در راستای نوسازی جامعه، و بنا کردن کشوری مستقل و نیرومند، شما، از نزدیک با پوست و گوشت خود، فقر و محرومیت را تجربه کرده اید و خوب می دانید که در پس پرده این ادعا های دروغ، تخریب تدریجی جامعه و امکانات عظیم آن، بیکاری فزاینده چندین میلیونی، تورم و گرانی روزافزون، بی توجه به صنایع و تولید داخلی و فساد و ظلم بی سابقه دستگاه اداری رژیم نهفته است که بدون کم ترین توجهی به خواست اکثریت مردم میهن ما و تنها در جهت تأمین منافع گروهی - طبقاتی خود به حکومت ادامه می دهد.

هیجده سال پس از پیروزی انقلاب پرشکوه بهمن ۱۳۵۷، که در آن رژیم پوسیده، ضد مردمی و وابسته شاه به دست پرتوان و با فداکاری های کم نظیر شما به زباله دان تاریخ سپرده شد، هنوز نه تنها هیچ کدام از خواست ها و شعارهای اکثریت عظیم توده های شرکت کننده در انقلاب درباره آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تحقق نیافته است، بلکه بالعکس، آزادی کشی، سرکوب و کشتار مخالفان و دگراندیشان، تعمیق دره عظیم میان فقر و ثروت و وابستگی اقتصادی کشور به خارج، در ابعاد گسترش یافته ای ادامه دارد و چشم انداز آینده میهن ما را تیره و تار کرده است. تجربه دردناک هیجده سال گذشته اثبات کرده است که سران رژیم حاضرند برای ادامه حاکمیت ضد ملی و ضد مردمی خود به هر دروغ، تزویر و توطئه ای دست یازند.

امروز رژیم «ولایت فقیه» که تبلور استبداد مطلق فردی و قرون وسطایی است به مهترین سد هرگونه تحول و پیشرفت جامعه تبدیل شده است و از این رو برداشتن این سد عمده ترین و عاجل ترین وظیفه همه کسانی است که به آینده ایران، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می اندیشند.

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۷۵

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درد پر شور به کارگران اعتصابی نفت

هم میهنان عزیز، کارگران و زحمتکشان ایران!

بر اساس گزارش‌های رسیده، بیش از ۲۰۰۰ تن از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت تهران، در اعتراض به گرانی، تورم، دستمزد پایین و شرایط طاقت فرسای زندگی، روز یکشنبه ۲۷ بهمن در مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع اعتراض آمیز کردند و خواهان گفتگو با وزیر نفت شدند. این نخستین بار، در شش سال گذشته است (اعتصاب بزرگ قبلی کارگران نفت در دیماه سال ۱۳۶۹ بود که در آن کارگران پالایشگاه‌های تهران، تبریز، اصفهان و آبادان در یک اقدام مشترک در اعتراض به دیر پرداخت ۲۰۰۰ تومان اضافه حقوق‌هایشان دست به تحصن، کم کاری و اعتصاب زدند) که کارگران نفت دست به چنین اعتراض گسترده‌ای علیه رژیم می‌زنند.

رژیم هراسناک از ابعاد این اعتراض و امکان گسترش آن به سایر پالایشگاه‌های کشور، در یک یورش وسیع صدها تن از اعتراض کنندگان را دستگیر و روانه شکنجه‌گاه‌ها کرد. در پی این یورش که توسط پاسداران رژیم انجام گرفت، از تهران خبر رسید که نیروهای وزارت اطلاعات رژیم نیز همان شب در یک یورش وسیع به خانه جمعی از کارگران اعتراضی عده دیگری را دستگیر کرده‌اند. به دستور اکید وزارت اطلاعات روزنامه‌های مجاز کشور از درج هرگونه خبری پیرامون این اعتراض گسترده منع شده‌اند و اوضاع در پالایشگاه تهران بر اثر کم کاری کارگران در همبستگی با دستگیر شدگان و در شرایط حضور چشمگیر نیروهای امنیتی بشدت ناآرام است.

یورش وحشیانه مزدوران رژیم علیه کارگران معترض در شرایطی انجام می‌گیرد که در ایران مراسم بزرگداشت ۱۸-مین سالگرد انقلاب بهمن، انقلابی که پیروزی آن بیش از هر چیز مدیون فداکاری و مبارزه قهرمانانه کارگران و زحمتکشان ایرانی، خصوصاً کارگران شرکت نفت است، برگزار می‌شود. هیجده سال پس از پیروزی انقلاب کارگران و زحمتکشان میهن ما نه تنها به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، که شعارهای انقلاب بهمن بود، دست نیافته‌اند، بلکه در چنگال یک حکومت استبدادی و ضد مردمی که میهن ما را در لبه پرتگاه فاجعه قرار داده است، اسیرند. اعتراض بزرگ کارگران پالایشگاه تهران، در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که اوضاع کشور به شدت ناآرام است و درگیری‌ها در درون و بیرون حاکمیت تشدید می‌شود. تشدید درگیری و برخوردها بر سر «انتخابات» ریاست جمهوری که در پیش است، تغییر و تحولات در رهبری ارگان‌های سرکوبگر، از جمله برکناری فرمانده کل نیروهای امنیتی، اوج گیری دامنه نارضایتی مردم به علت ادامه بحران اقتصادی - اجتماعی، در کنار تشدید جو سرکوب و اختناق که در ماه‌های گذشته در یورش و دستگیری نویسندگان مترقی، از جمله فرج سرکوهی سردبیر آدینه، توطئه دامنه دار علیه دیگر نویسندگان مترقی، و سرکوب خونین اعتراض مردم کرمانشاه تبلور یافت، نشانگر اوضاع غیر عادی در کشور است.

رژیم نشان داده است که آماده است برای حفظ خود دست به هر جنایتی بزند. بر اساس گزارش‌های رسیده خطر جدی جان کارگران دستگیر شده را تهدید می‌کند و تنها با همبستگی وسیع و اتحاد آهنین کارگران و زحمتکشان است که می‌توان رژیم را وادار به عقب نشینی و آزادی دستگیر شدگان کرد. نباید اجازه داد تا جلادان رژیم بار دیگر بتوانند خون گروهی از فرزندان این خاک و بوم را برای حفظ حکومت مستبد، ضد مردمی و خائن به آرمان‌های انقلاب بهمن بر زمین ریزند. و صدای اعتراض حق طلبانه آنان را خاموش کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، همه کارگران، زحمتکشان و نیروهای مترقی کشور را فرامی‌خواند تا ضمن همبستگی با کارگران معترض پالایشگاه نفت تهران با تمام توان در راه آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران دستگیر شده بکوشند. حزب ما از تمامی نیروهای مترقی، احزاب کارگری و کمونیستی جهان می‌خواهد تا صدای اعتراض خود را علیه این ستمگری‌ها با ارسال نامه، فاکس و یا بیانیه‌های اعتراضی به دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی بلند کنند.

درد آتشین به کارگران اعتصابی پالایشگاه تهران!

تنگ و نفرت بر رژیم ضد مردمی و استبدادی «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران - دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۷۵

ادامه: یان افسران توده ای ...

قبل از اعدام او را چنین نقل کرده است: در یکی از سلول های بند ۲۰۹ اوین بودیم، حوالی شب او را صدا کردند. رفیق کبیری برخاست می دانست آخرین لحظه های زندگی اوست، خودش را نباخته بود. روحیه ای مصمم و جدی داشت. من مات و نگران و با هراسی عمیق در دل به او نگاه می کردم این آخرین دیدار بود. وسایل مختصری که داشت جمع کرد، مستقیم در چشمانم نگاه کرد، نگاهی با اراده و بی ذره ای ترس لبخندی زد. کاملاً به خود مسلط بود، در حرکاتش ترس، دلهره و اضطراب وجود نداشت. با روحیه ای محکم، واقعی و اصیل رو به من که با دلهره نگاهش می کردم کرد و گفت: «ما هم رفتنی شدیم» و مجدداً لبخندی زد. از پشت در سلول خطاب به زندانبان گفت: «آماده ام». در باز شد، هنگام خروج از در سلول با دست به کتفم زد و صمیمانه و گرم گفت: «خدا حافظ، موفق باشید» و پس از آن...

رفیق شهید سرهنگ حسن آذرفر:

رفیق آذرفر در حزب ما با نام سازمانی سرش فعالیت می کرد. او از زمره قهرمانان نامدار شکنجه گاه خمینی است و علی رغم فشار حیوانی و شدیدی که شکنجه گران به او وارد کردند، هرگز تسلیم نشد. دفاعیات رفیق شهید آذرفر از زمره اسناد حقانیت حزب ماست و دفاعی پر شور، دقیق و قاطع. در زندان لاجوردی و شکنجه گران دیگر و نیزری شهری از روبرو شدن با او در جمع زندانیان می ترسیدند، زیرا وی روحیه ای عالی و تهاجمی داشت. خاطرات بسیاری از مقاومت حماسی او در کمیته مشترک باقی است و نام او در کنار سیامک و وارطان ابدی و جاودانه است.

رفیق شاهرخ جهانگیری:

رفیق شاهرخ جهانگیری، عضو رهبری حزب توده ایران از زمره نسل جوان رهبری حزب ما بود. وی از پایه گذاران سازمان نوید و از یاران قهرمان اسطوره ای خلق رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) است. کلبه رفقای که با او فعالیت کرده اند و یا او را در زندان دیده اند از شخصیت و فضیلت های اخلاقی و انسانی و کمونیستی او یاد می کنند. رفیقی حزبی در خاطرات و گزارش خود نقل می کند: در سال ۱۳۶۲ پس از پایان محاکمات و دوران انتظار برای صدور حکم افسران توده ای و مسوولین نوید را به زندان پادگان جمشیدیه انتقال دادند. در دومین روز ورود به این بازداشتگاه رفیق جهانگیری رفقای سرشاخه سازمان نظامی، کادرهای نوید را جمع کرد و خطاب به آنها گفت: «رفقا ما در جمع افسران توده ای هستیم، آنها با یقین به خطراتی که برای یک نظامی وجود دارد به صفوف حزب پیوسته اند، راهی که پر خطر است و مرگبار، شما وظیفه دارید به عنوان توده ای و مسوولین نوید در برابر آنها از خود روحیه ای در خور توده ای نشان دهید، ضعف نشان ندهید. توده ای باشید...»

رفیق شاهرخ جهانگیری پژوهش های پراکنده ای درباره دیوان حافظ داشت که

بدست ما نرسیده است. او در پاسخ لاجوردی جلاذ که به حزب توده ایران توهین می کرد، با این شعر حافظ جواب داد:

«وصف رخساره خورشید زخفاش میرس که در این دایره صاحب نظران حیرانند»
رفیق شهید ابوالفضل بهرامی نژاد:

رفیق ابوالفضل بهرامی نژاد، عضو سازمان حزبی نوید و یکی از چهره های درخشان و تسلیم ناپذیر شکنجه گاه خمینی بود. او در بند کمیته مشترک و در جریان بیدادگاه نظامی، مظهر شجاعت و پایداری بود. در سال ۱۳۶۲ در زندان پادگان جمشیدیه در جمع افسران توده ای و کادرهای نوید خطاب به رفقایش و نیز زندانبانان با صدایی رسا و اراده ای محکم گفت: «ما نمی ترسیم، از مرگ نمی ترسیم. تا آخرین لحظه می گویم و می خندیم و شاد هستیم.»

رفیق بهرامی نژاد، پژوهشگری خلاق بود و رساله علمی او درباره ماوراء طبیعه از نظر بسیاری از مراکز علمی معتبر عالی و ارزنده قلمداد می شد. همین رساله از زمره نکاتی بود که در کیفرخواست رفیق عنوان شد. وی در طول شکنجه در زندان و دادگاه همواره از تعلق خود به حزب توده ایران و جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی حزب دفاع رسمی و آشکار می کرد. در پاسخ به ری شهری جلاذ که خواستار توبه از نوشتن رساله علمی درباره ماوراء طبیعه شده بود، با قاطعیت اعلام کرد، او به علم در برابر خرافه اعتقاد دارد و توبه نمی کند.

رفیق شهید خسرو لطفی:

رفیق لطفی از فعالان قدیمی و اولیه سازمان حزبی نوید بود و یکی از کارآمدترین و مجرب ترین کادرهای حزب در سال های دهه ۵۰ و پس از انقلاب به شمار می رفت.

رفیق خسرو لطفی در جریان نبردهای خیابانی ۲۱ و ۲۲ بهمن مسوولیت یک گروه از پارتیزان های توده ای را که همدوش مردم و همافران نیروی هوایی علیه گارد شاهنشاهی می رزمیدند بر عهده داشت. رفقای حزبی و مردم ایران گزارش مبارزه مسلحانه توده ای ها در انقلاب را در «نامه مردم» و دیگر مطبوعات حزبی خوانده اند، به ویژه گزارشی از نبرد تن به تن با تانک های گارد شاهنشاهی در خیابان دماوند و میدان فوزیه تهران در میان این گزارشات برجسته است. این گزارشات را رفیق شهید رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) در مجموعه ارزنده «اسناد و دیدگاه ها» تحت عنوان «پارتیزان های توده ای در سنگر انقلاب» گردآوری کرده است. گزارش «تانک را به آتش کشیدیم» که حاوی مبارزه شجاعانه و مردمی با تانک های گارد شاهنشاهی است و در جریان آن تانک فرماندهی گارد در زیر پل میدان فوزیه به وسیله پارتیزان های توده ای منهدم و معاون اول گارد شاه کشته می شود توسط رفیق شهید خسرو لطفی تنظیم شده و اوست که فرماندهی مبارزه با تانک ها را در میدان فوزیه رهبری می کرده است. رفیق لطفی به جرم وفاداری به مردم و نقش موثر در ۲۲ بهمن بوسیله رژیم «ولایت فقیه» به جوخه های اعدام سپرده شد. این بود دیداری کوتاه با برخی از رفقای شهید، این دیدار تجدید پیمان با آنها و راه پر افتخار آنهاست.

ادامه: پرچم رزم خونینی که همچنان ...

«نامه مردم» آغاز کرد.

سیر زندگی مردم که در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۲۵، از سومین دوره انتشار به ارگان هیأت اجرایی موقت حزب توده ایران بدل شد، همانند سرگذشت حزب توده ایران، سرگذشت پرشور، و رزمنده ای است که در آن ده ها کادر، نویسنده و همکار روزنامه اسیر، شکنجه و اعدام گردیدند، «نامه مردم» بارها ممنوع و غیر قانونی اعلام گردید ولی «نامه مردم» پرچم پرافتخار رزم خونین حیدرها، ارانی ها و روزبه ها همچنان در اهتزاز نگاه داشت.

دوره هفتم «نامه مردم» که پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۷ در تهران انتشار یافت در سرفقاله خود نوشت: «مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران است. دوست و دشمن دقیقاً می دانند که مشی سیاسی این روزنامه چیست و لذا نیازی به معرفی مفصل برنامه و روش خود نداریم. حزب ما حزب طبقه کارگر است و «مردم» وظیفه دارد که در راه دفاع از حقوق طبقه کارگر و همه توده های زحمتکش علیه امپریالیسم و ارتجاع و ایجاد جامعه ای عادلانه بزمزد.»

علی رغم امکانات محدود و تمامی دشواری هایی که بر سر راه انتشار دوره هفتم آن بود، «نامه مردم» با گذشت مدت زمان کوتاهی به یکی از وزین ترین و معتبر ترین روزنامه های سیاسی - اجتماعی کشور بدل شد که تأثیر معنوی آن بر جامعه وسیع و گسترده بود. «نامه مردم» بار دیگر به دلیل بورش ارتجاع، غیر قانونی اعلام شد و مسوولان و دست اندرکارانش، از جمله رفیق شهید منوچهر بهزادی سردبیر روزنامه سرانجام در تابستان سال ۱۳۶۱، با بورش وسیع ارتجاع حاکم علیه حزب ما به زندان و شکنجه گاه ها فرستاده شدند. «نامه مردم» در هفتمین دوران از کار انقلابی خود توانست با انتشار ۵۰۰ شماره گروه بزرگی از طرفداران، دوستان و علاقمندان را یافت که در سیمای «نامه مردم» چهره زجر دیده توده های کار و زحمت و در کلامش پیکان برنده و تیز ارمان های زحمتکشان میهن را می دیدند. و در این سال «نامه مردم» برای دومین بار در تاریخ حیاتش به تبعید رفت تا کار مبارزه علیه ارتجاع و استبداد را ادامه دهد. نخستین شماره هشتمین دوره «نامه مردم» در ۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۳ انتشار یافت و در سرفقاله خود نوشت: «نامه مردم دوره هشتم خود را در شرایطی آغاز می کند که آزادی بیان و قلم و اجتماعات و احزاب، سندیکا ها و اتحادیه های صنفی و غیره لگدمال شده، زندان و شکنجه و اعدام و قتل میهن دوستان و مدافعات توده های محروم، که طی سالیان دراز ستم شاهی بار سنگین مبارزه علیه استبداد را بدوش می کشیدند، به سطح سیاست مستمر دولتی ارتقاء یافته است...». سرفقاله سپس در تشریح وظایف هشتمین دوره «نامه مردم» اضافه کرد: «نامه مردم به عنوان ارگان مرکزی حزب، آئینه تمام نمای سیاست، موضع گیری ها، خط مشی، تصمیمات و اقدامات حزب توده ایران است. «نامه مردم» با تمام قوا خواهد کوشید که در شرایط دشوار کنونی، برای تحقق سیاست اصولی حزب، که بر پایه جهان بینی انقلابی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم - لنینیسم استوار است و به انتر ناسیونالیسم پرولتری متکی است، بکوشد و از هر گونه تشنت و نوسان در ایدئولوژی و عمل جلوگیری کند...».

هشتمین دوره انتشار «نامه مردم»، یکی از پرمخاطره ترین و دشوار ترین دوره های تاریخ حزب توده ایران بوده است. کشتار عظیم صدها تن از رهبران، کادرها و اعضای برجسته حزب توده ایران توسط جلاذان رژیم جمهوری اسلامی و خطرات جدی که حیات حزب را تهدید می کرد در کنار فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و تأثیر این رویدادها بر جنبش کارگری و کمونیستی جهان، ابعاد کار حساس و خطیری که در مقابل هشتمین دوره انتشار «نامه مردم» بوده است را نشان می دهد. علی رغم امکانات محدود، «نامه مردم» در این دوره از انتشار خود توانست، یکی از بزرگترین و موفق ترین کارزارهای افشای رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از زندانیان سیاسی کشور را در شکل انتشار گزارش های متعدد از کارزار وسیع بین المللی همبستگی صدها تن کارگری و کمونیستی، و سایر نیروهای مترقی جهان انتشار دهد. پایبندی «نامه مردم» به اصول اعتقادی حزب و مبارزه علیه انحرفاتی که در پی بورش رژیم به حزب و در دوران پس از فروپاشی اتحاد شوروی پدید آمد، از جمله وظایف مهمی بوده اند که ما با تمام توان خود به آن پرداخته ایم. امروز «نامه مردم» ۵۵ ساله همچنان افتخار می کند که پرچم خونین رزمی که در ۱۲ بهمن ۱۳۲۰ به آن سپرده شد، به همت مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر توده ای ها همچنان در اهتزاز است و تا پیروزی نهایی خلق بر ارتجاع، استبداد و دست یابی به آرمان های والای طبقه کارگر ایران در اهتزاز باقی خواهد ماند.

رویدادهای جهان



پیروزی کمونیست‌ها

در انتخابات میان دوره ای در پنج منطقه نیال که در اوایل بهمن انجام گرفت، حزب حاکم «کنگره نیال» به سختی شکست خورد. حزب کمونیست نیال ۳ کرسی را به خود اختصاص داد. نتایج دو کرسی دیگر هنوز اعلام نشده است. نخست وزیر که در حال حاضر رهبری ائتلاف سه حزبی حاکم را به عهده دارد قبل از انتخابات گفته بود که هر پنج کرسی مجلس نمایندگان را تصاحب خواهد کرد و از حزب کمونیست به عنوان بزرگ ترین حزب حاضر در پارلمان پیشی خواهد گرفت. در چند هفته گذشته این دومین شکست جدی برای دولت ائتلافی محسوب می شود. در ماه قبل دولت در جریان یک رای اعتماد شکست خورد و اکثریت خود را از دست داد. طبق قانون اساسی نیال، در صورت از هم پاشیدن ائتلاف دولتی، حزبی که بیشترین تعداد نماینده را در پارلمان دارد می تواند خواستار تشکیل دولت اقلیت بشود. از سپتامبر ۱۹۹۵، حزب کمونیست دوبار سعی کرده است که از طریق رای عدم اعتماد پارلمان به دولت حاکم آن را به زیر بکشد. در جریان آخرین رای اعتماد در ماه گذشته ۱۰۱ نماینده از قطعنامه حزب کمونیست مبنی بر عدم اعتماد به دولت دفاع کردند. فقط ۸۴ نماینده علیه قطعنامه حزب کمونیست رای دادند. قبل از انتخابات میان دوره ای اخیر، حزب کمونیست ۸۷ کرسی و حزب کنگره ملی ۸۶ کرسی داشتند. اکنون حزب کمونیست با در دست داشتن ۹۰ کرسی سعی خود را برای جلب اکثریت لازم برای قطعنامه عدم اعتماد به دولت دوچندان خواهد نمود.

نتایج سووال برانگیز

در انتخابات پارلمانی پاکستان که در ۱۳ بهمن ماه انجام گرفت، لیگ اسلامی به رهبری نواز شریف، سرمایه دار قدرتمند کشور، توانست با کسب اکثریت مطلق به قدرت برسد. ولی میزان بسیار پایین شرکت کنندگان در انتخابات و همچنین شکایت حزب مردم از تقلبات گسترده، از هم اکنون اعتبار دولت جدید را زیر علامت سووال برده است. طبق نتایج اعلام شده از ۲۱۷ کرسی پارلمان لیگ اسلامی ۱۴۰ کرسی، حزب مردم ۲۵ کرسی را بدست آورده اند. با احتساب ۲۵ کرسی تصاحب شده توسط احزاب کوچک متحد با لیگ اسلامی دولت نواز شریف با کنترل ۱۶۵ کرسی می تواند بدون هیچ مقاومتی قوانین مورد نظر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را به تصویب برساند. فقط ۳۰ درصد از ۵۷ میلیون رای دهنده پاکستانی در انتخابات شرکت کرد. بی نظیر بوتو، رهبر حزب مردم که دولتش چهار ماه قبل توسط رییس جمهور برکنار شد در اولین اظهارات خود پس از اعلام نتایج انتخابات گفت: «من نتایج را قبول ندارم. نتایج دستکاری شده اند. آراء را اضافه کرده اند، تمامی این یک تقلب علیه مردم پاکستان بود. اما کشور جهت پیشرفت اقتصادی نیاز به ثبات دارد. اگر ما ثبات نداشته باشیم، چه کسی صدمه خواهد دید؟»

مردم پاکستان صدمه خواهند دید... انتخابات دستکاری شده، عزل دولت ها، تحریکات، اینها به چه منظوری است؟»
نخست وزیر جدید گفت که اولین ارجحیت های او در کار پیشرفت اقتصادی، بهبود حکومت نظم و قانون و پایان دادن به فساد مزمنی است که در گذشته دولت او به زیر کشید و به شکست رقیب او، بی نظیر بوتو انجامید.

کوبا به کمک آمریکا نیاز ندارد

وزیر خارجه کوبا، روبرتو روبائینا پس از ملاقات با رهبر پارلمان جامائیکا وینستون جوزنر گفت که کوبا نیازی به اعانه های ایالات متحده ندارد. فقط تاوان خسارت و صدماتی که ۳۵ سال تحریم اقتصادی کوبا توسط امپریالیسم یانکی را بدهد. روبائینا گفت که هیچ چیز جدید در پیشنهاد ایالات متحده برای کمک مالی ادعایی به کوبا، به شرطی که روند انقلابی از بین برود، وجود ندارد. او گفت که تنها عنصر جدید این است که بیل کلینتون با تاخیر حکم کنگره ای را که تحت کنترل افراطیون است و قوانین بی اعتباری که خود مروج آنها بوده است را به اجرا در می آورد. وزیر کوبایی اشاره کرد که هدف واقعی این پیشنهاد ظاهرا خیرخواهانه به اجرا گذاردن قانون هلمس برتون مصوبه کنگره آمریکا در سال گذشته است که از نظر جهانیان مردود شناخته شده است. روبائینا اعلام کرد که نمی توان اجازه داد حاکمیت کوبا به حراج گذاشته شود. رهبر کوبایی گفت برای پاسخ کامل و همه جانبه به چنین پیشنهادی که حاکمیت و ملیت کوبا را خدشه دار می سازد نیاز به یک مطالعه سیاسی و قضایی می باشد.
در اشاره به پیشنهاد رییس جمهور آمریکا که شامل یک شرط محوری برای اعطای میلیون ها دلار «کمک» می باشد، روبائینا گفت که آمریکایی ها در صددند به این طریق به نیت صد ساله شان که آینده کوبا را از دفاتر کارشان طراحی و شکل دهند، دست یابند. روبائینا تاکید کرد که چنین چیزی هیچگاه اتفاق نخواهد افتاد زیرا آنچه کلینتون باید به کوبا بپردازد رقمی بسیار و بمراتب بالاتر از آن چیزی است که او پیشنهاد می کند.

قائل واقعی کریس هانی کی بود؟

کنگره ملی آفریقا که قدرت را در آفریقای جنوبی در دست دارد از «کمیسون حقیقت و آشتی» خواسته است که در مورد قتل کریس هانی، دبیر کل محبوب حزب کمونیست آفریقای جنوبی که در سال ۱۳۷۲ در ژوهانسبورگ به قتل رسید، تحقیقات دوباره ای را انجام دهد. کنگره ملی آفریقا در روز ۱۲ بهمن ماه در بیانه ای اعلام کرد: «کنگره ملی آفریقا هیچگاه چشم هایش را بر این احتمال که توطئه وسیع تری در قتل کریس هانی در کار بوده است، نبسته است». گفته می شود دو نفری که به جرم قتل رهبر فقید حزب کمونیست محکوم شده اند، یک مهاجر لهستانی بنام جانوس والزو و کلابو داربی لوئیس بزودی خواستار عفو خواهند شد.

وینی ماندلا، چهره جنجالی جنبش ضد آپارتاید و همسر سابق رییس جمهور آفریقای جنوبی اخیرا مدعی شده است که در سوء قصد جنایتکارانه به جان کریس هانی، برخی از اعضای کنگره ملی آفریقا نیز شرکت داشته اند. او گفته است که دشوار است قبول کنیم که قتل کریس هانی فقط کار دست راستی ها بود. در اشاره به اظهارات وینی ماندلا، بیانیه کنگره ملی آفریقا خاطر نشان می کند که تصورات و فرضیه اندیشی کمکی نمی کند مگر اینکه حقایق و فاکت ها در اختیار کمیسون حقیقت و آشتی گذاشته شود. این کمیسون که گروه مسوول جمع آوری حقایق و فاکت ها است توسط دولت مامور شده است در مورد تمامی موارد نقض حقوق بشر و جنایات انجام شده در طول دوران آپارتاید تحقیق کند.

بیکاری توده ای در آلمان

رهبران سندیکایی و نیز کارفرمایان آلمانی دولت

این کشور را به دلیل کوتاهی در مهار کردن سطح بیکاری بی سابقه در کشور مورد حمله قرار دادند. در ماه گذشته ۵۰۰/۰۰۰ نفر به تعداد بیکاران اضافه شد. در حال حاضر ۴/۶۶۰/۰۰۰ نفر بیکار رسمی در آلمان وجود دارد. کلاوس زویکل، صدر اتحادیه کارگران فلزکار و مهندسی به صدر اعظم آلمان هلموت کهل حمله کرد که به دلیل اصرار در رعایت معیارهای مصوب جهت وحدت مالی و اقتصادی اروپا، عملا به تقلیل بودجه مصارف عمومی اقدام نموده و این به بیکاری بیشتر انجامیده است.

احیاء جنبش غیر متعهدها!

سام نجوما، رییس جمهور نامیبیا در جریان بازدید خود از هندوستان خواستار احیاء «جنبش غیر متعهدها با محتوای بیشتر شد». جنبش غیر متعهدها در اصل برای ترفیع همبستگی میان کشورهای تازه به استقلال رسیده که خود را از استعمار رها نموده بودند و خواستار اجتناب از گرفتاری های جنگ سرد نواستعمار بودند، ایجاد شده بود. سام نجوما، رهبر مشهور جنبش آزادیبخش مردم نامیبیا گفت: «جنبش غیر متعهدها وسیله ای برای ترفیع نهضت آزادی ملت های تحت ستم در سراسر جهان و بویژه در نامیبیا بوده است». نامیبیا در سال ۱۹۹۰ پس از عقب نشینی نیروهای وابسته به رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی به استقلال رسید. اعضای برجسته جنبش غیر متعهدها از جمله هندوستان می گویند که گروه اهمیت خود را به مثابه سبیل همبستگی کشورهای در حال توسعه و در جستجوی پیشرفت اقتصادی حفظ کرده است. نجوما در یک سخنرانی برای صاحبان صنایع در هند در شهر دهلی نو گفت نامیبیا علاقمند است که سرمایه گذاران هندی را برای تقویت صنایع کوچکی که از زمان استقلال دو کشور قارچ گونه ایجاد شده اند جلب کند. او گفت: «نامیبیا برای داد و ستد آماده است. آنچه که ما نداریم سرمایه و تخصص است». هلموت آنگولا، وزیر کشاورزی نامیبیا که نجوما را همراهی می کند به صاحبان صنایع هند گفت که نامیبیا در صدد است صادرات مواد کشاورزی و دامی به آسیا را تقویت کند و خواستار تخصص خارجی برای توسعه این رشته ها شد.

ادامه: نوسازی بر فراز ویرانه ...

خودش عمل می کند و نیازی به اتکاء مردم لبنان احساس نمی کند... وضعیت چاره ناپذیر نیست ولی ما برای اینکه زندگی سیاسی را بازسازی کنیم و تمامی نیروهای دموکراتیک خواستار تغییر را متحد نماییم به زمان نیاز داریم... ما در مرکز بسیاری از جنبش های هستیم که برای این هدف مبارزه می کنند». حزب کمونیست لبنان از فراخوان یک کنگره ملی برای گردهم آوردن نیروهای دموکراتیک کشور حول یک برنامه حداقل برای آزادی سیاسی حمایت می کند.

ویرانی های ناشی از جنگ داخلی و تجاوز را در سراسر کشور می توان مشاهده کرد. عدم ثبات منطقه یک منبع مداوم تنش در داخل کشور و توجیه کننده حضور نظامی تمام عیار هم لبنانی و هم سوری در سراسر کشور است. ولی حزب اعتقاد دارد که فرصت های جدید برای نیروهای مترقی کشور بوجود خواهد آمد. رفیق مروغ معتقد است که: «با در نظر گرفتن فشارهایی که بر حزب وارد می شود حزب ما مانند گذشته قدرتمند نیست. ولی اگر ما به مبارزه ادامه بدهیم، قوی تر خواهیم شد».

سازندگی بر فراز ویرانه های جنگ در لبنان

در روزی ها و نیروهای شبه نظامی عمدتاً مسلمان متحد شود. رفیق مروغ اضافه می کند: «ما نفوذ خود را در میان جمعیت مسیحی از دست دادیم ولی اکنون دوباره در حال بازیافتن آن هستیم... و این را همه می دانند که حزب ما بسیاری از رفقای خود را، بسیاری از روشنفکران برجسته را به دلیل خشونت کور نیروهای واپس گرای اسلامی از دست داد، ولی حزبی مانند حزب ما را نمی توان به سادگی کشت.»

حزب کمونیست لبنان در بین نیروهای نظامی و سیاسی ای که بر پایه سکتاریسم مذهبی تشکیل شده اند و اتحادهای گمراه کننده دایما در حال تغییر نیروهای شبه نظامی گوناگون و نیروهای خارجی در فشار است.

حزب کمونیست لبنان همیشه طرفدار یک راه حل غیر مذهبی برپایه گردهم آوردن نیروهای ملی و دموکراتیک و مخالفت با دامن زدن به احساسات مذهبی و تفاوت های فرهنگی برای کسب امتیاز سیاسی است. این کار ساده ای نیست. در حالی که حزب شاخه نظامی خود را در تبعیت از طرح صلح به توافق رسیده برای اتمام جنگ داخلی خلع سلاح نمود، حزب الله سلاح های خود را نگاه داشت. حزب الله که در اصل توسط ایران پایه گذاری شده، توسط آن تربیت و تسلیح و تامین شده و اکنون روابط نزدیکی با سوریه دارد.

رفیق مروغ می گوید: «حزب الله یک حزب مستقل نیست، حزب ما تنها حزبی است که ابزار یک قدرت خارجی و یا منطقه ای نیست». در حالیکه حزب نقش سوریه را که هزاران نظامی در کشور دارد را به مثابه یک وزنه متقابل و توازن دهنده برای تجاوزگران اسرائیلی قابل توجیه می داند، نگرانی خود را از نفوذ و برتری طلبی سوریه در زندگی سیاسی لبنان نمی پوشاند.

رفیق مروغ اشاره می کند: «بخاطر حضور نیروهای سوریه، دولت لبنان در جهت حفظ منافع

ادامه در ص ۷

کمک مالی رسیده

آزاده از ایران به حزب شهیدان ۱۰۰ مارک «باران حیدر» از باکو به مناسبت تدارک کنگره چهارم حزب ۳۰۰ دلار

کرده است. فشارهای دولت در ماه های اخیر باعث جلوگیری از بخش برنامه های «سیاسی» از رادیوی «صدای خلق» شده است. در پاسخ به اقدامات دولت، حزب در یک کارزار وسیع برای آزادی مطبوعات و رادیو و تلویزیون، علیه سانسور دولتی و مسلط شدن انحصارات مطبوعاتی، شرکت جسته است.

حزب کمونیست لبنان در نظر دارد در صورتی که ایستگاه رادیوی آن تعطیل شود، روزنامه خود را دوباره منتشر کند ولی این روزنامه به مثابه ارگان مرکزی حزب نخواهد بود بلکه نشریه ای چپ با مفهوم وسیع و گسترده آن خواهد بود.

ایستگاه رادیوی حزب، درست ۱۰ سال قبل و در حالیکه شعله های جنگ داخلی بالا گرفته بود، تاسیس شد. برنامه های پخش شده توسط رادیو در سراسر کشور و همچنین در بخش هایی از سوریه، ترکیه، فلسطین، اسرائیل و قبرس قابل دریافت است. «صدای خلق» در روز ۱۹ ساعت برنامه به زبان عربی و چندین برنامه به زبان انگلیسی پخش می کند. قبلاً برنامه هایی به زبان فرانسه نیز پخش می شد ولی با توجه به تغییرات فرهنگی در منطقه و اینکه جوانان بیشتر با زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم آشنا هستند، برنامه های فرانسوی قطع شد.

رفیق دیباس به اهمیت عملکرد یک ایستگاه رادیوی مترقی در محیطی که بازتاب آن تهدیدی مستقیم برای انحصارات اطلاعاتی هستند، تاکید می کند. او می گوید: «یک موقعیت اقتصادی بحرانی در کشور ما وجود دارد... فقر روزانه بیشتری می شود. حقوق متوسط ماهیانه فقط هزینه حداقل ۱۰ روز از ماه را تامین می کند و این فقر زدگی در حال شتاب گرفتن است... این شمشیر دولبه است. از یکسوزندگی هر چه مشکل تر می شود، از سوی دیگر این برای ما آسان تر است که با سیاست های خودمان به سراغ مردم برویم... اوضاع واقعا باید تغییر کند.»

وضع خطرناکی پیش آمده است از طرفی بخشی از آن توسط نیروهای اسرائیلی اشغال شده و از سوی دیگر مقاومت هنوز ادامه دارد. رفیق دیباس می گوید: «خاتمه تراژدی کشور ما به پیشرفت گفتگوهای صلح در منطقه مرتبط است... ما اکنون وارد یک مرحله کلیدی مبارزه بین رهبری طلبی آمریکا- اسرائیل از طرفی و خلق های منطقه از طرف دیگر می شویم... ما بهای سنگینی برای سال های دشوار جنگ داخلی پرداختیم. بیش از ۵۰۰۰ کمونیست لبنانی در مبارزه علیه افراطیون راست فالانژیست و نیروی اشغالگر اسرائیلی جان خود را از دست داده اند.»

حزب شاخه نظامی خود را با ساختار فرماندهی نظامی ای که تحت کنترل سیاسی حزب بود، تاسیس کرد. حزب کمونیست لبنان همچنین نیروی محوری جنبه میهنی دموکراتیک بود. رفیق مروغ تاکید می کند در حالیکه اعتبار حزب در بسیاری از محافل رشد کرده است و «حزب ما نیروی واقعی مقاومت در نقاط کلیدی بوده است»، حزب نفوذ خود را در میان محافل مسیحی لبنان تا حدی از دست داده است. در هنگامی که حزب در سال ۱۹۲۴ پایه گذاری شد، اولین رهبران آن عمدتاً از جوامع مسیحی، هم مارونیست و هم غیر مارونیست بودند. ولی در دوران جنگ داخلی یعنی اواخر ۱۹۷۵ برای ۱۵ سال ادامه یافت، حزب مجبور شد که با نیروهای فلسطینی،

اکثریت کشورهای خاورمیانه از نظر شرایط فعالیت نیروهای ترقیخواه و کمونیست و مشکلاتی که چنین فعالیت هایی در بر دارد وضعیت کم و بیش مشابهی دارند. مبارزه کمونیست ها در این کشورها پرمخاطره و در زیر فشار نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی صورت می پذیرد. لبنان از معدود کشورهای خاورمیانه است که حزب کمونیست حضور نسبتاً فعالی در حیات سیاسی آن دارد. گرچه جنگ داخلی و اشغال جنوب کشور توسط اسرائیل و حضور نیروهای غیر دموکراتیک همگی در عمل به عنوان فاکتورهای منفی بر حیات و مبارزه تاثیر گذاشته اند. ولی حضور کمونیست ها در صفوف مقدم مبارزات مردم علیه تجاوز صهیونیستی و نیز برای اعاده صلح و بازسازی کشور چنان محبوبیتی برای حزب کسب کرده است که ادامه کاری و امکان گسترش صفوف آن را ممکن کرده است. به لحاظ اهمیت تجربه رفقای لبنانی در این مبارزه بفرنج و لزوم درس گیری از این تحولات، در مقاله زیر که بر پایه اظهارات رفقای عضو هیات سیاسی حزب کمونیست لبنان تدوین شده برخی از جنبه های حیات و مبارزه حزبی برادر آشنا می شویم.

کمونیست های لبنانی در تلاش هستند که پس از دهه ها جنگ خونین داخلی و اشغال ادامه یابنده جنوب کشور نفوذ حزب را در سراسر کشور احیاء کنند. رفیق کریم مروغ، عضو هیات سیاسی، حزب کمونیست لبنان را به عنوان «کانالیست چپ کشور» توصیف می کند. در انتخابات عمومی اخیر گرچه حزب هیچ کرسی ای را بدست نیاورد ولی کاندیداهای حزب ۱۴۰۷۰۰۰ رای کسب کردند. کمونیست ها همچنین تلاش دارند جنبش سندیکایی کشور را برای مقابله با سیاست های اقتصادی «رفیق حریری»، نخست وزیر کشور احیاء کنند. حزب معتقد است که کشور با یک بحران سیاسی روبرو است. رفیق مروغ می گوید: «دولت در حال ایجاد شرایطی است که زندگی سیاسی را به حداقل محدود می سازد، در حالی که از حل مشکلات اقتصادی و سیاسی مردم عاجز است... ما در حقیقت دولتی نداریم. ما پارلمانی داریم که به مثابه یک پارلمان عمل نمی کند... رئیس پارلمان تصمیمات را با نخست وزیر و رئیس جمهور می گیرد». در عمل هیچ گونه نهاد دموکراتیکی وجود ندارد.

رفیق تانیوس دیباس، عضو هیات سیاسی حزب کمونیست و مدیر ایستگاه رادیوی حزب بنام «صدای خلق» است، در مورد مبارزه دشوار برای حفظ «صدای خلق» بر روی امواج رادیویی صحبت می کند. صدای خلق یکی از پر شنونده ترین ایستگاه های رادیویی در کشور است. حزب در گذشته یک روزنامه یومیه بنام «ندا» و حتی زمانی یک ایستگاه تلویزیون داشت ولی مشکلات مالی حزب را مجبور کرد که روزنامه را تعطیل کند و فقط سهم کوچکی را به عنوان حداقل در ایستگاه تلویزیونی حفظ نماید. اما اخیراً دولت حریری مجوز تعدادی از ایستگاه های رادیویی را به منظور واگذار کردن آنها به محافل تجاری و بخش خصوصی لغو

25 February 1997

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:500

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm